

## روحانی گرگی در پوست میش؟



دیکتاتوری با تجربه اوت ۱۹۹۱ توضیح داده می‌شود که در حالی که روی تانک ایستاده بود نقش قهرمان خیابان را یافت. این لحظه‌ها سال‌های دراز بر سمینارهای ایدئولوژیک نقش بسته‌اند. اما کاراکترها مهم‌تر هستند. گریاچوف ایدئالیست و یلسین احساساتی، از هیجان به سمت مردم‌گرایی جذب شدند و هنگامی که به این مرحله رسیدند، به دفاع غریزی از آن پرداختند. این کیفیتی درونی بود که زمانی مارگارت تاچر سرسخت و دست راستی در گریاچوف شناخته بود.

یوتین، اردوغان و شیائوپینگ اریک فرای، در ادامه این بحث می‌نویسد: «ولادیمیر پوتین در سرشت خود یک کاراکتر خودگامه است که می‌کوشد کنترل کامل انسان‌ها و حوادث را در دست بگیرد. تنها در دموکراسی‌های تحکیم‌شده است که این تپ‌ها ناگزیرند به مرزها احترام بگذارند. همین قاعده در مورد رجب طیب

بقیه در صفحه ۴

کمک زیادی نمی‌کند. او استدلال می‌کند: «میخائیل گورباچف زمانی به همان اندازه کمونیست شسته و رفته بود که بوریس یلسین. با این همه هردو با اتحاد شوروی قدیم خداحافظی کردند.»

اریک فرای، در دنباله تفسیر خود ضمن اشاره به تحولات آفریقای جنوبی می‌نویسد: «ویلم د کلارک هیچ تردیدی نسبت به نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی نشان نمی‌داد، تا این که بار دیگر به قدرت رسید و در برابر آشتی‌طلب بزرگ تلسون ماندلا قرار گرفت.»

مفسر اتریشی دو مولفه را دارای نقش ویژه‌ای در چرخش شخصیت‌ها می‌داند: هوادارانی که به آن‌ها تکیه می‌کنند و شخصیت فردی خودشان. او توضیح می‌دهد: «کمونیزم است‌های اصلاح‌طلب سر به‌زیری مثل ایمره ناگی و آلکساندر دوپچک (رهبران کمونیست پیشین مجارستان و رومانی) زیر فشار توده‌ها به رزمندگان آزادی‌طلبه حزب کمونیست تبدیل شدند. همچنین آمادگی یلسین برای بریدن از

با گزینش حسن روحانی به ریاست جمهوری ایران روزنامه اتریشی استاندارد در تفسیری این پرسش را مطرح کرده که چگونه یک نمایندهی رژیم سرکوبگر به اصلاحات روی می‌آورد؟ او شانس روحانی را بیشتر از اردوغان می‌داند.

تفسیر اریک فرای، مفسر روزنامه اتریشی استاندارد، پیرامون پیروزی انتخاباتی حسن روحانی در ایران و همزمانی آن با رویدادهای خشونت‌آمیز ترکیه با این جمله آغاز می‌شود: «شخصیت روحانی، اردوغان و شرکا از ایدئولوژی آن‌ها مهم‌تر است.»

این مفسر می‌نویسد: «پیروزی انتخاباتی حسن روحانی نامزد نسبتاً معتدل انتخاباتی در ایران، یک پرسش جالب تاریخی و سیاسی را تازه می‌کند، چرا برخی از نمایندگان رژیم‌های سرکوبگر به رفرمیست‌هایی تبدیل می‌شوند که سرانجام کل سیستم را سرنگون می‌کنند؟ و چرا بعضی دیگر از حاملان امید باعث سرخوردگی می‌شوند و یا حتی به ایجادکنندگان موانع ارتجاعی تبدیل می‌شوند؟»

اریک فرای ادامه می‌دهد: «در شرایط فعلی نه تنها برای کارشناسان و روزنامه‌نگاران، بلکه برای رهبران کشورهای دیگر که می‌خواهند بدانند آیا با گرگی در پوست میش سروکار دارند یا یک اصلاح‌طلب واقعی، تحلیل موضوع بسیار دشوار است. زیرا تاریخ نشان می‌دهد که تغییر از داخل همواره به سرنگونی خشونت‌آمیز ارجحیت دارد. این اتفاق، اگر بیافتد، مسیر تاریخ را عوض می‌کند.»

سرنوشت اصلاح‌گران در تاریخ جهان

به نوشته‌ی مفسر اتریشی، تمرکز روی زمینه‌های ایدئولوژیک یا گذشته سیاسی این شخصیت‌ها یا گفته‌های پیشین آنان، به درک آنها

## روحانی، گرگی در لباس

اردوغان نخست‌وزیر ترکیه نیز مصداق دارد که گرایش او به سرکوب کمتر با مذهب و بیشتر با شخصیت او ارتباط دارد.

مفسر اتریشی معتقد است که حتی سرکوب اعتراضات دانشجویی یکن در سال ۱۹۸۹ نیز کمتر با ایدئولوژی و بیشتر با طبیعت شیائوپینگ سروکار داشت که خواستار اصلاحات بود، اما تنها بر مبنای قواعد خودش.

لوییت‌های سیاسی او.

مفسر اتریشی، در پایان همه این مقایسه‌های تاریخی ابراز امیدواری می‌کند: «این که روحانی از سوی یک جنبش اصلاحی قدرتمند بر مسند ریاست جمهوری نشسته و مثل یک مرد توازن و آشتی‌مندی ظاهر شده است، سبب امیدواری است. او در نهایت شانس روحانی را در ایران بیش از رجب طیب اردوغان در ترکیه می‌بیند.»

در پایان این تفسیر استاندارد به این نتیجه می‌رسیم، در همه حرکات‌های اصلاح‌طلبانه این پرسش مطرح می‌شود که آیا اصلاح‌طلبان قادر خواهند بود در برابر قدرت‌های کهنه بایستند؟

آینده برمه را تحت رهبری ژنرال اصلاح‌طلب پیشین تاین‌ساین به سختی می‌توان پیش‌بینی کرد. همچنین در مورد روحانی در ایران، زیرکی او در برخورد با قدرت نهایی یعنی علی خامنه‌ای دست کم همانقدر مهم است که

